

تمامی دورانی که مردم مسلمان ایران در زیر انواع فشارهای سیاسی و در زیر رگبار گلوله‌ها با مشت‌های گره کرده باعمال طاغوت و شیطان بزرگ «آمریکا» می‌جنگیدند و هر روزه صدها نفر شهید نثار راه انقلاب اسلامی می‌کردند، در خارج از کشور در گوشه کاباره‌ها و تریاها سرگرم ساختن تزه‌های باصطلاح انقلابی و شعارهای ضد امپریالیستی بودند و با تئوریهای ذهن ساخته خویش معاشقه میکردند و به بحث و جدل با سایر گروه‌های مشابه می‌پرداختند. تا بالاخره در زمانیکه مردم پیا خاسته میهن اسلامی ما تحت رهبری امام امت با ایثار و رشادتی وصف‌ناپذیر کاخ پوسیده شاهنشاهی را درهم نوردیده و بساط ترور و خفقان را درهم می‌شکستند و جمهوری اسلامی رها شده از قید و بند آمریکای جهان‌خوار را بنا میکردند، این گروه‌ها همانند سایر گروه‌های ورشکسته که نتوانسته بودند در میان امت ما جایی پیدا نمایند، وارد ایران شده و دستگاه تبلیغات ذهنیت شیطانی خود را در ایران براه انداختند.

### تلاش مذبح‌خانه این گروه‌ها از بهمن‌ماه ۵۷ تا انتها!

در زمانیکه امت دلیر و شهیدپرور مسلمان با جانفشانی‌های بی‌نظیر خود توانسته بود سیلی محکمی بر آمریکای جهان‌خوار بکوبد و برای همیشه دست جنایتکاران و طغفروش و ضد اسلام را از ساحت مقدس کشور اسلامی قطع نماید، و برای اولین بار در تاریخ آزادیهای واقعی را به ارمغان بیاورد، ناگهان توطئه‌های چپ و راست آغاز گشت تا این حرکت خدائی را به انحراف کشانده و سرانجام باشکست مواجه نماید. ده‌ها گروه‌ها با ورق‌پاره‌های تبلیغاتی خود مانند قارچ از زمین روئیدند و هر یک تابلوی عوام‌فریبانه‌ای را بر سر در دکان سیاسی خود نصب نمودند. عده‌ای از این گروه‌ها ادعا کردند که

انقلابی رخ نداده و تنها حکومت فاشیستی جدیدی با «فریب» مردم بر سر کار آمده است. تعداد دیگری مدعی بودند که انقلابی رخ داده ولی رهبری قاطع و انقلابی امام را بی‌شرمانه به سُخره می‌گرفتند و می‌گفتند که این رهبری قدرت هدایت این حرکت را تا به آخر ندارد و لذا شکست خواهد خورد. با چنین تصوراتی رؤیاهای زیبایی برای خود می‌آفریدند و انتظار داشتند که مردم مسلمان ایران دست از اسلام و مکتب و رهبر خود برداشته و بسوی آنان جلب شوند. زهی خیال باطل!

گروهک اتحادیه کمونیستهای ایران نیز از جمله گروهکهای اخیر بشمار میرود. اتحادیه کمونیستهای ایران با ورود به ایران فعالیت تبلیغاتی خود را آغاز کرد و اعضاء و هواداران خود را برای باصطلاح پیاده کردن خط «انقلابی» شان به پاره‌ای از نقاط ایران گسیل داشت.

این گروهک که در ابتدا مدعی پشتیبانی از انقلاب بود، ولی شدیداً از اسلامی بودن انقلاب ابراز اترجار مینمود و از هر فرصتی استفاده میکرد تا با تبلیغات مودیانه، اسلامیت انقلاب را مخدوش ساخته و آن را از مسیر خود منحرف سازد. زهی خیال باطل!

دولت موقت که مبلغ خط لیبرالی و سازشکارانه‌ای در انقلاب بود و با سیاست‌ها و مواضع و عملکرد خود ضربات زیادی به انقلاب اسلامی وارد آورد، با اعمال خویش مستمسک مناسبی برای رشد این گروهکها فراهم آورد. عدم قاطعیت در اجرای فرامین انقلابی امام، سهل‌انگاری و مماشات در ریشه‌کن ساختن ضد انقلاب و سازشکاری با عوامل آمریکا و بالاخره تهی کردن انقلاب از محتوای غنی اسلامی خود از جمله خدماتی بود که دولت موقت برای فراهم آوردن زمینه توطئه‌های آمریکا و ضد انقلاب و رشد گروهکها انجام داد. آری

اگر دولت موقت تحت عنوان دموکراسی، بی‌بندوباری سیاسی را در ایران رواج نمی‌داد، گروهکهای الحادی و نفاق جرات چنین جسارت‌هایی را پیدا نمی‌کردند. آنکس که شعارش جمهوری دموکراتیک اسلامی باشد چیزی بهتر از آنچه که در صدر انقلاب ناظرش بودیم بیار نمی‌آورد، بحمدالله که دموکراسی غربی جای خود را به حریت و قاطیعت اسلامی داد و همه گروهکهای الحادی و نفاق را که جز کشتار مردم هدفی ندارند به اتزوا کشاند. اتحادیه کمونیستهای ایران نیز از جمله این گروهکها بود. این گروهک در زمینه‌های مختلف دست به فعالیت زد که برخی از آنها گویای عملکرد آن می‌باشد:

این گروهک که ادعای مردمی بودن داشت، در زمان برگزاری فراندوم جمهوری اسلامی ایران، که بیش از ۹۸ درصد مردم متفقاً به جمهوری اسلامی رای مثبت دادند، فراندوم را تحریم نموده و بدینگونه «مردمی» بودن خود را آشکار ساخت. این گروهک در زمانیکه ضد انقلاب و عوامل و ایادی آمریکا با توطئه‌های رنگارنگ کردستان را جولانگاه مطامع خود ساخته و عملاً آن را از میهن اسلامی جدا کرده بودند، ادعا مینمود که «کردستان پیشتازوپرچمدار انقلاب است». این گروهک در زمان برگزاری انتخابات مجلس خبرگان آن را تحریم نمود و سپس با تصویب قانون اساسی جمهوری اسلامی که چهارچوب و استخوان‌بندی این جمهوری نوپا را ترسیم می‌کرد، رای مخالف داده و تحت عناوین مختلف از قبیل «مشروع‌گری»، «استبداد در پرده دین»، اسلام عزیز را هدف قرار داده می‌کوشید تا اذهان جوانان میهنمان را مغشوش نماید.

این گروهک اگرچه باصطلاح از تسخیر لانه جاسوسی توسط دانشجویان مسلمان پیرو خط امام که نقطه پایانی بر سیاست‌های

ورشکسته دولت موقت نهاد، به پشتیبانی برخاست، لیکن در تمامی این پشتیبانیها سعی مینمود اینگونه وانمود سازد که این موج عظیم مبارزه امت حزب الله ناشی از مکتب انسان ساز و رهائی بخش اسلام نبوده، و انواع توجیهاات باصطلاح تئوریکی روشنفکرانه را پشت بند تحلیل های خود قرار میداد. در این مقطع حزب جمهوری اسلامی مورد انواع افتراءات و تهمت های ناروا و ضد انقلابی از جانب گروهکها قرار داشت و اتحادیه کمونیست های ایران نیز در این بین یکی از پرچمداران بود. این گروهک به عناوین مختلف کوشش مینمود که اثرات سوء سیاست های لیبرالی و سازشکارانه دولت موقت را نیز به حزب جمهوری و علی الخصوص شهید مظلوم آیتا... بهشتی متصل نماید.

اتحادیه کمونیست های ایران برای تبلیغ نظرات خود دست به ساختن تشکیلات گوناگون برای جذب جوانان زد. از جمله میتوان از «سازمان توده انقلابی دانشجویان و دانش آموزان» (ستاد)، جمعیت زنان باصطلاح مبارز و تشکیلات پیشمرگان زحمتکشان در کردستان نام برد. این بچه گروهکها که همیشه یکشبه تشکیل میگرددند، بخاطر عدم حقانیت شان یکروزه نیز از میان میرفتند. کلیه کوشهای اتحادیه کمونیست های ایران برای جذب مردم با شکست مواجه گردید و این گروهک هرروزه از ادعاهای خود مبنی بر طرفداری از انقلاب و مردم دوری می جست و گام بگام بطور آشکاری در جبهه ضد انقلاب قرار می گرفت.

اتحادیه کمونیست های ایران از جمله در میان کارگران نیز دست به فعالیت زده و میکوشید تا با جذب آنان باصطلاح به ادعاهای خود مبنی بر دفاع از حقوق کارگران صورت واقعیت بخشد. لیکن این بار نیز کارگران مسلمان با نشان دادن انزجار خود از سیاست های باصطلاح کارگرسندانه اتحادیه کمونیست های ایران مشت محکمی بر

دهان آنان فرود آوردند. و علیرغم تمام کوششهای اتحادیه، هرچه بیشتر دویدند کمتر به مقصد رسیدند.

اتحادیه کمونیست‌های ایران پیرو سیاست‌های ضد انقلابی و ضد اسلامی خود در آغاز سال ۱۳۵۹ در برابر انقلاب فرهنگی قرار گرفت و آن را توطئه‌ای از سوی حکومت اسلامی اعلام کرد. اتحادیه کمونیست‌های ایران با تشکیل دولت شهید رجائی به فعالیت‌های تبلیغاتی خود در جهت تضعیف دولت مکتبی و انقلابی وقت مبادرت کرده و در رمانیکه امپریالیسم آمریکا به طرق مختلف انقلاب اسلامی را تحت محاصر قرار داده و به انواع توطئه‌ها مشغول بود، این گروهك عملا جز تضعیف دولت و كمك در جهت ایجاد انحراف از خط اصیل انقلاب اسلام، کاری از پیش نبرد.

اتحادیه با آغاز جنگ، تحمیلی رژیم آمریکائی صهیونیستی صدام کافر پاره‌ای از مزدوران خود را برای جمع‌آوری سلاح به جبهه جنوب فرستاد و در این هدف پیروزمندانه مقادیر زیادی سلاح و مهمات را به سرقت برده و در جنگل به سینه امت حزب‌با... که عملا با امپریالیسم می‌جنگید نشانه رفت.

اتحادیه کمونیست‌های ایران در زمانی که حزب‌با... قلب دشمن بعثی را می‌شکافت با بنی‌صدر خائن دست به تبلیغات زهر آگین زده و مذبوحانه کوشید تا پشت جبهه را به میدان جنگ دیگری بدل سازد. اخلال‌گریبهای بنی‌صدر در جبهه‌های جنگ و سازشکاریهای مخفیانه وی و همدستانش در زمان وزارت و ریاست جمهوری، از سوی اتحادیه کمونیست‌های ایران بیای مقامات انقلابی و مکتبی جمهوری اسلامی نوشته میشود. اتحادیه کمونیست‌های ایران با پیروی از يك دید ضد اسلامی و کمونیستی چاره‌ای جز این نمیتوانست داشته باشد. بالاخره در زمانیکه امت بپاخاسته بگرد رهبر عظیم‌الشان خود،

امام امت، حلقه زده و تمامی مساعی خود را در جبهه مبارزه با آمریکا و جهاد در راه اسلام بکار میبردند، در سوی دیگری قرار گرفته و دست به طغیان و آشوب زده و از پشت به انقلاب اسلامی ما خنجر می‌زند.

بدینگونه بود که اتحادیه کمونیست‌های ایران، در اوایل سال ۶۰، علناً در برابر انقلاب قرار گرفت و عزل بنی‌صدر ملعون که جبهه‌ای از ضد انقلاب را در قلب حکومت تشکیل داده بود، مستمسک قرار داده و جمهوری اسلامی را متهم به خیانت و سازش جعلی با آمریکا نمود. در این مقطع بود که نتیجه محتوم يك خطمشی ضد انقلابی و ضد مردمی عیان گردید و علیرغم آنکه اتحادیه گروهکی ناچیز در برابر امت چند میلیونی بود با ارائه ترهات خطرناکی کوشید تا باصطلاح حکومت اسلامی را ساقط نماید.

عشق وافر توده‌های کثیر مسلمان نسبت به انقلاب و رهبری آن و شرکت میلیونی مردم ما در مراسم با شکوه بهشتی عزیز و یارانش، حضور دائمی مردم در صحنه برای مقابله با توطئه‌های ارتجاعی منافقین و فراریان ضد انقلاب، پشتیبانی بی‌دریغ امت مسلمان از دولت شهید رجائی و شهید باهنر و... نتوانست کج‌اندیشی‌های اتحادیه را اصلاح نموده و واقع‌نگری را در آنان برانگیزاند. گویا تمامی این وقایع و حقایق برای اتحادیه و زهبران و وجود خارجی نداشته و چشم بصیرتشان کور شده بود.

لذا تحلیل‌های کاذب و مارکسیستی آغاز گردید و اتحادیه کمونیست‌های ایران به این نتیجه رسید که کافی است تا عده‌ای معدود دست به اسلحه برده و علم قیام علیه حکومت اسلام را برافرازند تا باصطلاح مردم دسته دسته به آن پیوندند. این گروهک می‌پنداشت که با ایجاد يك جرعه میتواند جلب توجه کرده و گروه‌های ضدانقلاب

که بزعم اتحاد روش صحیحی را پیروی نمینمودند، را به سوی راه باصطلاح صحیح رهنمون شود. مقامات دادستانی انقلاب اسلامی از اظهارات صریح متهمین پی بردند که اینان هیچگونه هدف و برنامه مشخص، هیچگونه امیدی که از ذره‌ای واقعیت برخوردار باشد، در تحلیل‌های مارکسیستی‌شان وجود ندارد. حجت‌الاسلام رفسنجانی در یک جمله بخوبی حال این گروه را بیان نمودند، زمانیکه اقدام جنایتکارانه اتحادیه کمونیست‌های ایران در آمل را يك انتحار معرفی نمودند.

**بزعم خام و پندارهای نا بخردانه مارکسیستی پرچم قیام فوری علیه جمهوری اسلامی برافراشته می‌گردد**

علیرغم آنکه واقعیت جامعه سخت‌تر از آن بود که این ازخدا بی‌خبران را از این انتحار باز دارد، ابتدا تصمیم میگیرند که در تهران دست به اصطلاح «قیام» زنند. مدت زمانی برای فراهم ساختن مقدمات این طرح میگذرد. ولی امت همیشه در صحنه با حضور خود در تهران امکان دست زدن به چنین حرکتی را از اینان سلب نمی‌نماید. لذا اتحادیه کمونیست‌های ایران با اصطلاح جمع‌بندی می‌نماید که این اقدام در تهران میسر نبوده و لذا بایستی به شهر دیگری رفت!! تو گویی که مردم سایر شهرهای ایران از تژاد و مسلک دیگری هستند. اگر مردم در تهران حاضر به پیوستن به با اصطلاح «قیام» اینها نباشند، در شهرهای دیگر هم طبیعتاً نخواهند بود و واقعیت سخت در آمل و رشادتها و ازجان‌گذشتگی‌های مردم آمل این امر را بخوبی نشان داد. لیکن تحلیل‌های مارکسیستی اتحادیه کمونیست‌های ایران قرار نبود با واقعیتی وفق دهد. زمانیکه يك گروه مدعی خلق نسبت به مردم و احساسات و عقاید آنان بیگانگی ورزد، طبیعی است که دیر یا زود مستقیماً در برابر خلق قرار می‌گیرد. لذا اتحادیه برای ایفای با اصطلاح رسالت تاریخی برای خلق به اعماق جنگل‌های شمال

پناه میبرد تا باصطلاح جرقه خود را در شهر آمل بزند.  
پناهندگی اتحادیه کمونیست‌ها به جنگل‌های شمال

حدود ۱۰۰ نفر از این گروهک محارب در دسته‌های مختلف در اواخر شهریور ۶۰ روانه جنگل‌های شمال شده در ناحیه‌ای در ۱۵ کیلومتری جنوب آمل مستقر می‌گردند. سلاحهایی که اتحادیه کمونیست‌های ایران از جبهه‌های جنگ باصطلاح به غنیمت گرفته - یا بعبارت صحیح بسرقت و یغما برده بود و به تعبیری دیگر سلاحهایی که هر جوان مسلمان برای ستیز با کفار بعضی میتوانست در دست گیرد - و نیز مقداری سلاح که در کردستان خریداری کرده بود باجاسازی در کامیون به جنگل منتقل کرده و بهمین ترتیب سایر لوازم آتش - افروزی خود را در سه نقطه در جنگل متمرکز مینماید. بیش از ۷۵ قبضه انواع اسلحه‌های سبک به‌همراه چندین قبضه آرمی جی و مهمات لازم برای باصطلاح «قیام» بکار گرفته میشود. این تعداد از اعضاء و هواداران برای مدتی به آموزش و شناسایی مناطق مختلف جنگلی پرداخته و در سه اردوگاه متشکل میگردند. رهبران این عده که نام خود را «سربداران» میگذارند با این تصور واهی که در عرض چند روز آماده شده و تا آخر مهرماه میتوانند در شهر آمل باصطلاح جرقه قیام خود را زده و «ارتش خلق» خود را برای قیام سراسری در ایران آماده گردانند، به فعالیت‌های ضدانقلابی خود دست‌می‌یازند. لیکن علیرغم تمامی کوشش‌های مذبحخانه از هر راهی که به پیش میروند به بن‌بست مواجه میگردند.

بهر حال بعد از دوماه این گروه باصطلاح آماده حمله به شهر آمل میگردد. در تاریخ ۱۸ آبان ۱۳۶۰ تمامی گروه، به قصد غزیمت به شهر آماده میگردند. برای پیش‌بردن این عمل جنایتکارانه و ضد انقلابی تعدادی از اینان با سرقت تعدادی مینی‌بوس و وانت از مردم



وسایل حمل و نقل خود را آماده می‌سازند. رانندگان این وسایل نقلیه از طرف گروه بازداشت شده و در حواشی جنگل تحت مراقبت قرار می‌گیرند. اکثریت این گروه که آماده هجوم به شهر بود ناگه با برخورد به يك گروه گشت برادران بسیج که به درگیری میان آنها منجر می‌گردد، برنامه‌شان را تغییر داده و به درون جنگل باز می‌گردد. در این درگیری یکی از برادران بسیج به شهادت و یکتن از افراد گروه نیز به هلاکت می‌رسند. در همین زمان عده معدودی از افراد جنگل با ایجاد راهبندان در جاده هراز برای مدت کوتاهی دررفت و آمد اختلال ایجاد می‌کنند و مسلحانه به پخش تعدادی از اوراق تبلیغاتی حاوی مشتی اکاذیب و تهمت‌های ناروا به نظام جمهوری اسلامی، باصطلاح از «خلق» می‌خواهند که به صفوف آنان بپیوندند. لیکن این گروه با همین برخورد كوچك و با جانفشانی برادران بسیجی مجدداً به اعماق جنگل پناه برده و بخيال واهی اینکه جنگل‌های شمال از نفوذ انقلاب و امت حاضر در صحنه مصون است به اردوگاه‌های خود باز می‌گردند.

در اوایل صبحگاه ۲۲ آبانماه ۱۳۶۰ تعدادی از برادران سپاهی و ارتشی برای خنثی ساختن این توطئه شوم به جنگل وارد شده و این اردوگاهها را به محاصره در می‌آورند. طی يك درگیری چند ساعته ۱۱ نفر از برادران ارتشی و سپاهی به شهادت می‌رسند و تعدادی نیز مجروح می‌گردند. ضد انقلابیون برای حفظ خود و با استفاده از سلاح‌های خود مانند آر پی جی و غیره، موقتاً نیروهای خود را جمع کرده و از محل درگیری فرار می‌نمایند.

با شکسته شدن اسطوره باصطلاح مصونیت جنگل، گروهك اتحادیه کمونیست‌های ایران مستاصل شده و برنامه باصطلاح «جرقه‌زدن قیام» به تعویق می‌فتد. حال که نیروهای اسلام ضرب شست محکمی

را به ضد انقلاب نشان داده‌اند، مجدداً تحلیلهای خودساخته بفوریت تغییر یافته و تصمیم گرفته میشود که به مراکز سپاه مستقر در حواشی جنگل حمله بکنند. ضربات ناشی از حملات قهرمانانه برادران سپاه و ارتشی بحدی بود که عده‌ای از افراد ضد انقلاب را مستاصل کرده و حدود دو هفته بعد از این تاریخ جنگل را ترك می‌نمایند.

در آذرماه سال ۶۰ تعدادی از این ضدانقلابیون به یکی از مقرهای برادران حزب‌ا... در زرکه هجوم برده و با به شهادت رسانیدن تعدادی از برادران حزب‌ا... سعی می‌نمایند تا مقرر تسخیر نمایند. لیکن این بارهم باشکست مفتضحانه‌ای روبرو شده، مجدداً عقب‌نشینی می‌نمایند. این تئوری جدید که بجای ایجاد جرقه در آمل، هدف را ضربه‌زدن به نیروهای مسلح حزب‌اللهی در حواشی جنگل قرار میداد، مجدداً تحت بررسی قرار گرفته تغییر می‌یابد. یکبار دیگر حمله به آمل و ایجاد آشوب و طغیان در دستور کار قرار می‌گیرد.

در اواخر دیماه ۱۳۶۰ ضدانقلابیون مستقر در جنگلهای آمل تصمیم به حمله به شهر را گرفته و مقدمات آن را فراهم میسازند. رهبران ضد انقلاب مستقر در جنگل با این خیال واهی که با ورود به آمل و تسخیر يك یا دو محله از شهر شعله‌های قیام خودساخته‌شان سربرخاورد کشید، در اوایل بهمن ماه ۱۳۶۰ مخفیانه وارد شهر آمل شده و با اختفاء در يك خانه کنار شهر خود را آماده می‌نمایند. در اولین ساعات بامداد ۶ بهمن گروه صد نفره که در چهار گروه تقسیم شده بودند در چند نقطه از شهر مستقر میگردند. مراکز سپاه و روابط عمومی سپاه، بسیج مستضعفین و سایر مراکز دولتی در اوایل صبح غافلگیرانه مورد حمله ناجوانمردانه قرار میگیرند که با عکس‌العمل سریع و جانفشانی برادران سپاه و بسیج و مردم مواجه میشود.